

اهداف کلی

- ۱- آشنایی با جمله‌هایی که دارای فعل مضارع متکلم هستند.
- ۲- ترجمه و فهم عبارتهای ساده همراه با فعل ماضی و مضارع
- ۳- آشنایی با دو صیغه‌ی متکلم

هدف‌های رفتاری: دانش‌آموز باید در پایان این درس بتواند:

- ۱- جمله‌های ساده همراه با فعل ماضی و فعل مضارع را به فارسی روان ترجمه کند.
- ۲- مفهوم متکلم را در فعل مضارع درک کند.
- ۳- از حرف «أ» و «آ» به عنوان علامت‌های مضارع متکلم وحده و مع‌الغیر استفاده کند.
- ۴- از ریشه‌های فعل، صیغه‌های متکلم وحده و مع‌الغیر بسازد.
- ۵- برای صیغه‌های متکلم از ضمایر متناسب با آن‌ها استفاده کند.

تحلیل درس

واژگان

ویژگی‌های واژگانی این درس عبارتند از:

- ۱- قرآنی بودن قریب به اتفاق یا همه‌ی واژه‌ها و استفاده از عین واژه‌هایی که در داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم به کار رفته است.

برای مثال:

يعقوب - يوسف - يُحِبُّ - إِخْوَةٌ - حَسَدٌ - أبونا - قَتَلَ - تَرَكَ -
الذئب - أكل - الناس - أبانا - لَعِبَ - ذَهَبَ - حفظ - أشداء و ...

۲- استفاده‌ی محوری از صیغه‌های متکلم وحده و مع‌الغیر و ضمائر آنها در جای جای عبارات . در این درس به طور مکرر فعل متکلم مضارع به کار رفته است :

أَقْدِرُ - أَقْتُلُ - نَقْتُلُ - نَتْرُكُ - نَجْعَلُ - نَذْهَبُ - نَحْفَظُ

۳- استفاده‌ی فعال از واژگان پیش آموخته یا ریشه‌های پیش آموخته، در قالب صیغه‌های متکلم و نیز سایر صیغه‌های افعال. این واژه‌های تکراری، عمدتاً واژه‌هایی هستند که در ادبیات دینی دارای استعمال فراوان هستند و یادگیری آنها موجب تقویت فهم و درک آن متون می‌شود.

محتوی

موضوع این درس، برگرفته از داستان قرآنی حضرت یوسف است و به گونه‌ای اشاره‌وار، بخش اولیه‌ی داستان یوسف را - با تأکید بیش‌تر - مطرح می‌سازد و سپس سرانجام زندگی او را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد.
در این داستان، از سویی خیانت در امانت مطرح می‌شود و از سوی دیگر پاکی و صداقت یوسف و عشق و محبت یعقوب ارائه می‌گردد.

قواعد

موضوع قواعد این درس، متکلم وحده و متکلم مع‌الغیر است. از این‌رو، دو بخش یا دو صحنه مورد توجه قرار گرفته است :

- آنچه از سوی یعقوب مطرح می‌شود (متکلم وحده)
 - آنچه از سوی برادران یوسف مطرح می‌شود (متکلم مع‌الغیر)
- «أ»، به عنوان نشانه‌ی فعل متکلم وحده است.
«ن» به عنوان نشانه‌ی فعل مع‌الغیر است.

تدریس

زمینه

- با توجه به آموخته‌های قبلی، دانش‌آموزان باید به یاد داشته باشند که :
- چهار علامت برای فعل‌های مضارع معرفی شده است (ا - ت - ی - ن)
 - از میان علامت‌های چهارگانه‌ی مضارع، دو علامت «ی» و «ت» در ارتباط با فعل‌های غایب و مخاطب به کار رفته‌اند.
 - تاکنون همه‌ی صیغه‌های غایب و مخاطب فراگرفته شده‌اند و فقط صیغه‌های متکلم باقی مانده‌اند.

وسایل کمک آموزشی

- ۱- کارت‌های حاوی ریشه‌های افعال
- ۲- کارت‌های «ا» و «ت»
- ۳- تصویر یا مجسمه‌ی یک نفره، دو نفره و چند نفره‌ی دختران و پسران
- ۴- کلاه سبز

مراحل تدریس

- ۱- دانش‌آموزان به طور فردی متن درس را مطالعه می‌کنند و طی جستجو در آن، به این سؤال معلم پاسخ می‌گویند.
 - در این درس، چه نوع فعل‌هایی به کار رفته است؟ (ماضی و مضارع)
 - فعل‌هایی که با علامت‌هایی غیر از «ی» و «ت» در این درس به کار رفته‌اند، کدامند؟
- حاصل بررسی دانش‌آموزان، اطلاعاتی است که بدین شکل روی تخته‌ی کلاس نوشته می‌شود :

□ فعل‌های ماضی : وَجَدَ - دَهَبُوا - فَعَلْتُ - دَخَلَ - جَعَلُوا - جَعَلَ -
وَقَعَ - بَدَأَ - عَلِمَ

□ فعل‌های مضارع غایب و مخاطب : يَحْسُدُونَ - يُحِبُّ - يَأْكُلُ -
يَأْخُذُونَ - تُحِبُّ - تَفْعَلُونَ

□ فعل های مضارع دارای علامت جدید: أَقْدِرُ - أَقْتُلُ - نَقْتُلُ -
نَتْرُكُ - نَجْعَلُ - نَذْهَبُ - نَحْفَظُ

۲- با توجه به فعالیت مرحله ی قبل، برای دانش آموزان روشن شده است که:

□ غیر از صیغه های غایب و مخاطب که با علامت «ی» و «ت» شروع می شوند، دو صیغه ی

دیگر مضارع وجود دارد که با دو علامت «أ» و «ن» شروع می شوند. مانند: أَقْدِرُ - نَذْهَبُ

حال، این سؤال توسط معلم مطرح می شود:

○ فرق صیغه هایی که با «أ» شروع می شوند با صیغه هایی که با «ن» شروع می شوند چیست؟

○ هر یک از این صیغه ها با چه ضمیری همراه شده اند؟

برای دست یابی به پاسخ این سؤالات، دانش آموزان به جستجوی دوباره در متن درس می پردازند تا نهایتاً این نکته را اعلام کنند:

* ضمیر «أنا» با فعل های دارای علامت «أ» همراه است، مانند: أنا أَقْدِرُ.

* ضمیر «نحن» با فعل های دارای علامت «ن» همراه است، مانند: نحنُ نَذْهَبُ

۳- برای پی بردن به تفاوت معنی و مفهوم فعل های دارای علامت های «أ» و «ن» این نکته

توسط معلم مطرح می شود:

□ «أنا» و «نحن» به ترتیب به معنی «من» و «ما» هستند.

حال، از دانش آموزان انتظار می رود با قرینه قرار دادن معنی این دو ضمیر، به مفهوم فعل های مناسب آن ها پی ببرند. بنابراین، برخی از فعل هایی که دانش آموزان با ریشه ی آن ها آشنا هستند، از سوی معلم مطرح می شود تا دانش آموزان معنی آن ها را بیان کنند.

مثلاً: - نحنُ نَذْهَبُ

- أنا أَقْتُلُ

- نحنُ نَجْعَلُ

- نحنُ نَحْفَظُ

- نحنُ نَقْتُلُ

- نحنُ نَتْرُكُ

بدین ترتیب، دانش آموزان با راهنمایی های معلم به مفهوم فعل های متکلم وحده و

مع‌الغیر بی می برند و بدون این که به اسامی «وحدہ» و «مع‌الغیر» تأکید شود، براساس معادل‌های آن فعل‌ها در دستور زبان فارسی، می‌توانند مفهوم مفرد یا جمع بودن آن‌ها را تشخیص دهند.

البته این سؤال باقی می‌ماند که :
آیا فعل‌های متکلم جمع (مع‌الغیر) شامل متکلم‌های دو نفره (مثنی) نیز می‌شود یا خیر؟ بدیهی است که تبیین این موضوع، به گام‌های بعدی موكول می‌گردد.

۴- داستان «چه کسی یوسف را حفظ می‌کند»، متگی به یکی از قصص قرآنی است که در قرآن کریم از آن به عنوان «بهترین قصه‌ها» یاد شده است. این داستان حاوی بخشی از ماجرای است که درباره‌ی حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم و روایات دینی مطرح شده است. محدودیت‌های کتاب‌های درسی موجب ارائه‌گذرای این داستان شده است و همین، لزوم بیان مبسوط و مشروح آن را از سوی معلم ضروری می‌سازد.

معلم محترم می‌بایست پیش از تدریس متن درس، اصل ماجرا را با بیانی شیوا، جذاب و داستان‌وار برای دانش‌آموزان روایت کند تا علاوه بر این که شیرینی و حلاوت این داستان؛ کام آنان را شیرین می‌کند، جایگاه هر یک از عبارات مطرح شده در متن درس، در ارتباط با اصل داستان روشن و تبیین شود. در غیر این صورت، ممکن است دانش‌آموزان نتوانند زیبایی‌ها و جذابیت‌های داستان دلنشین و سازنده‌ی حضرت یوسف را از خلال جملات و عبارات محدود و ساده‌ی متن «من یحفظُ یوسف» دریابند.

بنابراین روایت این داستان، با چنین شرحی توصیه می‌شود :

یعقوب پیامبر، دوازده‌سپرداشت. در میان پسران یعقوب، یکی از آنان به دلیل برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی و رفتارهای شایسته‌اش، بیش از دیگران مورد علاقه‌ی پدر واقع شده بود. او کودکی زیبا، مهربان و بسیار دوست‌داشتنی بود. نامش یوسف بود و بعداً از سوی خداوند به پیامبری رسید.
برادران یوسف از عشق و علاقه‌ی خاصی که پدرشان نسبت به او داشت، به

یوسف حسادت می کردند. سرانجام، کاسه‌ی صبرشان لبریز شد و صریحاً به شکوه و شکایت از رفتار پدر نسبت به یوسف پرداختند. روزی برادران گرد هم آمدند و درباره‌ی یوسف سخن گفتند:

یکی از برادران گلایه‌کنان گفت: «چرا پدرمان یوسف را بیش از ما دوست دارد؟» دیگری گفت: «من این وضع را تحمل نمی‌کنم.» برادر دیگر که بیش از دیگران جسارت به خرج می‌داد، با خشم و عصبانیت گفت: «من او را می‌کشم!» این جمله، جمع برادران را تکان داد. آنان گرچه به یوسف حسادت می‌کردند، اما نمی‌خواستند دستشان به خون او آلوده شود. پس یکی از برادران که اندکی عاقل‌تر و هشیارتر بود، برادرانش را آرام کرد و گفت: «ما فرزندان پیامبر خدا هستیم. نباید دستمان به خون برادرمان آلوده شود...»

سایرین سخن او را تأیید کردند اما با حیرت و سرگردانی پرسیدند: «پس چه کنیم؟» او گفت: «او را به صحرا می‌بریم و سر راه کاروانیان می‌گذاریم. بالاخره کاروانی او را می‌یابد و با خود می‌برد. بدین ترتیب نه دستمان به خون برادرمان آلوده می‌شود؛ و نه او را در خانه تحمل می‌کنیم.»

برادران به فکر فرو رفتند. به گمناشان راه خوبی بود. گم شدن یوسف، مشکل آنان را حل می‌کرد. ولی یکی از حاضران گفت: «نه، اگر او را در صحرا رها کنیم، تا وقتی که کاروانی او را بیابد، گرگ او را می‌درد.» او پیشنهاد داد: «یوسف را به صحرا می‌بریم و او را در چاه می‌اندازیم. یوسف در چاه از حمله‌ی گرگ و تابش آفتاب در امان می‌ماند و در آن‌جا از تشنگی نمی‌میرد. شاید کسانی به قصد آب کشیدن از چاه او را بیابند و با خود ببرند.»

این پیشنهاد مورد موافقت جمع برادران قرار گرفت. اما این که چگونه یعقوب را راضی کنند تا یوسف را با خودشان به صحرا ببرند، موضوعی بود که آنان را به فکر فرو برده بود.

بالاخره تصمیم گرفتند که با چهره‌ای دلسوزانه و مهربانانه و به قصد کمک به برادر کوچکشان، نزد پدر بروند و از او اجازه بگیرند تا برادر را همراه خود به صحرا ببرند.»

سپس دسته‌جمعی نزد پدر رفتند. یعقوب و یوسف در خانه بودند. یوسف معمولاً

تنها در خانه می ماند و برادران برای چراندن گله به صحرا می رفتند. آن روز هم یوسف در دامان پدر نشسته بود و به سخنان او گوش می داد.

برادران عرض ادب و سلام کردند و روی یوسف را بوسیدند. یعقوب می دانست که این برادران نسبت به یوسف حسادت می کنند. تعجب کرد که چرا امروز این چنین مهربان و مؤدب شده اند. یعقوب چیزی نگفت. برادران از فرصت استفاده کردند و گفتند:

«پدرجان، یوسف کودک است. او بازی کردن را دوست دارد. ولی او همیشه در خانه تنهاست. ما به صحرا می رویم، کار می کنیم و در فضای وسیع صحرا بازی می کنیم. اجازه بدهید یوسف را هم همراهمان ببریم تا کمی بازی کند».

یعقوب در فکر بود. نگاهی به یوسف انداخت تا ببیند او چه می گوید. یکی از برادران لبخند مهربانی به لب هایش نشانده، یوسف را در آغوش گرفت و گفت: «برادرجان، آیا دوست داری همراه ما به صحرا بیایی و کمی بازی کنی؟»

یوسف بی درنگ گفت: «آری، آری، دوست دارم. من بازی کردن را دوست دارم و می خواهم همراه شما به صحرا بیایم.»

یعقوب دستی به سر یوسف کشید و نگاه تردیدآمیزی به پسرانش انداخت و گفت: «می ترسم، من نگرانم، یوسف هنوز کوچک است. می ترسم گرگ به او حمله کند. من نمی خواهم...»

هنوز حرف یعقوب تمام نشده بود که یکی از پسرها میان حرفش دوید و گفت: «پدرجان، از چه می ترسی؟ ما مراقب برادرمان خواهیم بود. مگر او را تنها می گذاریم؟! ما قوی و نیرومند هستیم. هرگز گرگ مجالی نمی یابد که نزدیک یوسف شود. شما نگران نباشید.»

این حرف ها آن قدر ادامه یافت تا بالاخره یعقوب راضی شد. اما در عمق چشمانش نگرانی موج می زد. پیشانی اش چین برداشته بود و با دودلی یوسف را نگاه می کرد که شادمان و راضی دست در دست برادران از خانه بیرون می رفت.

یعقوب هنوز بوی یوسف را در فضای خانه استشمام می کرد و گاهی از کار خود احساس پشیمانی می کرد. اما خودش را دلداری می داد که «پسرانم از یوسف مراقبت می کنند...»

برادران طبق نقشه‌ای که ریخته بودند، در صحرا چاه عمیقی را یافتند و یوسف را بر لبه‌ی چاه نشانده‌اند. یوسف احساس کرد که نیرنگی در کار است. برادران اصرار داشتند که یوسف به درون چاه برود. یوسف می‌ترسید. آنان پافشاری می‌کردند. یوسف به گریه افتاد و شروع کرد به التماس گاهی به چشم برادران خیره می‌شد و گاهی آسمان را نگاه می‌کرد و گاهی به دل سیاه و تاریک چاه چشم می‌انداخت و مرتب حرف‌هایی می‌زد تا شاید دل برادران را نرم کند:

— مگر چه کرده‌ام؟ گناه من چیست؟ چرا چنین می‌کنید؟ چرا می‌خواهید مرا به چاه بیندازید...

یوسف با چشمانی اشک‌بار به یکایک برادران خود نگاه می‌کرد و ملتسمانه می‌گفت: «برادرم ... برادران ... برادرانم...»

اما گویی دل برادران از سنگ بود. نه نگاه‌های معصومانه‌ی یوسف در دل آنان اثر کرد و نه اشک‌های زلال و غمبار او، شیطان در دل آنان نفوذ کرده بود و جایی برای رحم و عطوفت باقی نگذاشته بود. یوسف هرچه قدرت داشت، از رفتن به چاه خودداری کرد. اما برادران، به زور او را به چاه انداختند. هنوز صدای ناله و فریاد یوسف از درون چاه به گوش می‌رسید. ولی برادران پشت به چاه کردند و راه صحرا در پیش گرفتند. یکی از آنان با خوش‌حالی دست‌هایش را باز کرد و گفت:

«راحت شدیم... شرّ یوسف از سرمان کم شد.» دیگری گفت: «امروز روز راحتی ماست...» و همگی با هم قهقهه سر دادند. احساس قدرت و راحتی می‌کردند. آنان راه خانه در پیش گرفتند تا داستان دروغ دیگری را سرهم کنند و یعقوب را از حادثه‌ای که برای یوسف پیش آمده، با خبر سازند.

برادران یوسف، به دروغ پیراهن یوسف را با خون کبوتری آلودند و آن را به یعقوب دادند و گفتند: گرگ او را درید و خود، همچون یعقوب به ناله و شیون پرداختند. اما یعقوب می‌دانست که دروغ می‌گویند. او پیراهن یوسفش را بویید و به عنوان یادگار، آن را برای خودش نگه داشت.

برادران از سرنوشت یوسف بی خبر بودند آنان نمی دانستند که آیا کاروانی او را با خود برده است، یا در آن جا مرده است. اما دست تقدیر الهی، یوسف را به تخت پادشاهی مصر نشاناند و او را حاکم آن کشور کرد. که این نیز خود داستانی شیرین و شنیدنی دارد.

۵- معلم به طرح یک مسأله و بیان یک سؤال می پردازد تا دقیقاً تفاوت فعل های متکلم و حده و مع الغير برای دانش آموزان آشکار شود.

مسأله ای که به عنوان راهنمایی مطرح می شود، از این قرار است :

□ در داستان «من یَحْفَظُ یوسفَ؟» دو نوع گوینده وجود دارد :

○ جملاتی که از طرف یک نفر مطرح شده اند. مثلاً :

– از طرف یکی از برادران یوسف : لا أَقْدِرُ ... (نمی توانم)

– از طرف یکی دیگر از برادران : أنا أَقْتُلُ یوسفَ (من یوسف را می کشم)

○ جملاتی که از طرف چند نفر مطرح شده اند. مثلاً :

– از طرف جمع برادران : نَتَرَكُ یوسفَ ... (یوسف را رها می کنیم)

نَجْعَلُ یوسفَ فی البئرِ (یوسف را در چاه می گذاریم)

نَحْنُ نَذْهَبُ ... (ما می رویم ...)

نَحْنُ نَحْفَظُ یوسفَ (ما یوسف را نگهداری می کنیم)

□ حال، این سؤال از طرف معلم مطرح می شود :

○ فعل هایی که با علامت «أ» شروع شده اند، متعلق به چه نوع گوینده ای هستند؟

○ فعل هایی که با علامت «نَ» شروع شده اند، متعلق به چه نوع گوینده ای هستند؟

دانش آموزان با توجه به داستان، متن درس و نمونه هایی که از سوی معلم مطرح شده اند، به این

نتیجه می رسند :

□ فعل های دارای علامت «أ» متعلق به گوینده ی یک نفره هستند.

□ فعل های دارای علامت «نَ» متعلق به گوینده ی چند نفره هستند.

پس معلم تصریح می کند :

○ غیر از فعل های غایب و مخاطب، یک نوع فعل دیگر هم هست که متکلم نامیده

می‌شود.

- فعل‌های متکلم دو نوع هستند: یک نفره و چند نفره که به نام متکلم واحده و متکلم مع‌الغیر معروف هستند.
- فعل متکلم واحده با حرف «أ» شروع می‌شود.
- فعل متکلم مع‌الغیر با حرف «نَ» شروع می‌شود.

۶- یک بار دیگر صیغه‌های متکلم واحده و مع‌الغیر به کار رفته در متن درس مورد بررسی قرار می‌گیرند. بدین منظور، معلم با ذکر ریشه‌ی هر یک از فعل‌ها، از دانش‌آموزان می‌خواهد صیغه‌های موردنظر را بسازند. مثلاً:

معلم می‌گوید: «قَتَلَ»، دانش‌آموزان پاسخ می‌دهند: «أَقْتُلُ، نَقْتُلُ»

معلم می‌گوید: «حَفِظَ»، دانش‌آموزان پاسخ می‌دهند: «أَحْفَظُ، نَحْفَظُ»

این اقدام علاوه بر ریشه‌هایی که به صورت فعل‌های متکلم در متن درس به کار رفته‌اند، در ارتباط با سایر ریشه‌های افعال انجام می‌گیرد؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان کاملاً با آهنگ فعل‌های متکلم آشنا شوند.

۷- آموخته‌های قبلی دانش‌آموزان، به آنان کمک می‌کند که متن درس را به خوبی درک کنند. این متن آن‌چنان دارای احساسات پرفراز و نشیب و ابعاد عاطفی گوناگون است که در صورت درست خواندن آن، بخش عمده‌ای از زیبایی‌ها و مفاهیم نهفته در آن، از این طریق به شنونده منتقل می‌شود. لذا معلم باید علاوه بر این که خود این متن را با بیانی جذاب و روایتی متناسب با مفاهیم و فضای احساسی آن قرائت می‌کند، از دانش‌آموزان نیز بخواهد هنگام قرائت آن از همان شیوه تبعیت کنند.

بدون شک قرائت ساده و معمولی این متن، که به اقتضای شرایط محدود کننده‌ی متن‌های درسی در این داستان ایجاد شده است، مانع کسب لذت روحی و معنوی دانش‌آموزان از این داستان می‌شود.

معلمان محترم باید توجه داشته باشند که در پرتو سیاست حاکم بر روش تدریس این کتاب، پیش از این که متن‌های درسی تدریس شوند، می‌بایست نگرش مثبت و عاطفی دانش‌آموزان نسبت به یکایک داستان‌های متن درس جلب شود و پیش از آن که به مفهوم واژگان و ساختار عبارات و قواعد دستوری آن توجه کنند، باید آن متن را متنی خواندنی، سازنده، شیرین و دوست‌داشتنی تلقی کنند و نسبت به مطالعه‌ی آن رغبت و علاقه داشته باشند.

با این وصف، پس از قرائت متن توسط معلم محترم، دانش‌آموزان به عنوان تمرین، متن را با الگوگیری از شیوه‌ی قرائت معلم، قرائت می‌کنند و سپس نوبت به ترجمه و درک مفهوم واژگان و جملات درس می‌رسد.

ترجمه‌ی متن درس، هم‌چنان که به کرات درباره‌ی سیاست تدریس این کتاب توصیه و تأکید شده است، حتی‌المقدور باید توسط خود دانش‌آموزان صورت گیرد. به عبارت دیگر، به جای این که معلم ترجمه‌ی درس را به صورت راحت‌الحلقوم و سهل در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد، تلاش می‌شود دانش‌آموزان با بهره‌گیری از اطلاعات و آموخته‌های قبلی خود

متن خوانی

داستان «من یحفظ یوسف» دارای عبارات گوناگونی است که هر یک از آن‌ها احساس خاصی را منتقل می‌کنند. قرائت این عبارات باید به گونه‌ای باشد که فضای احساسی هر یک از آن‌ها در حین بیان آن‌ها کاملاً روشن و شفاف باشد و همان احساس را به شنونده منتقل نماید. برای مثال، تفاوت فضاهای احساسی در عبارات زیر کاملاً محسوس است:

○ يعقوبُ يُحِبُّ يوسُفَ كثيراً
(خبری)

○ لماذا أبونا يُحِبُّ يوسُفَ كثيراً؟
(پرسشی، تعجبی)

○ لا أقدِرُ ... (تحکیم‌آمیز، خبری و قاطع)

○ أنا أقتل يوسُفَ (هشدار دهنده، قاطع)

○ لا، نحن أولاد النبي (آرام، سرزنش‌گرانه)

○ الذئبُ يأكلُ يوسُفَ
(هشدار دهنده، سرزنش‌گرانه)

○ یا أبانا ... یوسف طفلٌ ...
(حیله‌گرانه، مهرآمیز)

○ یا یوسف ... هل تحبُّ اللَّعبَ ...
(پرسشی، مهربانانه)

○ نعم ... نعم ؛ (عجولانه، شادمانه)

به معنی واژگان و جملات بی‌بیرند و معلم فقط در نقش راهنما، فهم جملات و عبارات را برای آنان تسهیل کند.

ساختار جملات و نوع واژگان به کار رفته در این متن درسی به گونه‌ای است که اغلب دانش‌آموزان با اندکی دقت و تأمل، به معنی آن بی‌می‌برند. زیرا از سویی تعداد کلمات جدید این درس بسیار نادر است و از سوی دیگر از آن‌جا که مباحثی درباره‌ی فعل‌های متکلم و ضمائر آن‌ها در گام‌های پیشین مطرح شده است، می‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که یکایک جملات را با راهنمایی‌های معلم درباره‌ی برخی کلمات، ترجمه کنند.

○ أنا قَلِقٌ ... في الصحرا، ذئبٌ
(پرشان، با تردید)

○ يا أبانا... نحن أشداء...
(قدرتمندانه، با اطمینان)

○ لأبأس... (تردیدآمیز، آرام)

○ ماذا فَعَلْتُ ... (ملتمسانه، پرسشگرانه)

○ ما هو ذئبي؟ (پرششی، انکاری)

○ لماذا تفعلون هكذا؟ (سرزنش‌گرانه، پرسشی)

○ أخي ... یا إخوتي ... (ملتمسانه، مهربانانه)

○ لافائدة... (خبری، با حسرت، قاطع)

○ ها... الخلاص (حيله گرانه، شادمانه)

درباره‌ی شیوه‌ی ترجمه

برای ترجمه‌ی عبارات درس، معلم باید به دانش‌آموزان فرصت و مجال بدهد تا به نوبت یکایک عبارات را ترجمه کنند. بدین منظور، هر یک از دانش‌آموزان یک عبارت را روخوانی می‌کند و سپس معلم ترجمه‌ی واژگان به کار رفته در جمله را از آنان می‌خواهد. پس از تأیید صحّت معنی واژگان، ترجمه‌ی کلی آن جمله یا عبارت توسط دانش‌آموز بیان می‌شود و در صورت برخی اشکالات، با کمک و مشارکت سایر دانش‌آموزان، ترجمه‌ی نهایی متن به تأیید معلم می‌رسد.

۸- گرچه طی مراحل قبلی تدریس، هدف این درس در ارتباط با فعل‌های متکلم تبیین

شده است، اما به عنوان جمع بندی نهایی از مباحث مربوط به فعل های متکلم، مبحث «صداها و نداها» با شرحی که در پی می آید، مطرح می گردد :

ماجرای «صداها و نداها» به گونه ای مبسوط تر از آنچه در کتاب آمده است، همراه با توصیف ها و تأکیدهای لازم توسط معلم بازگویی و روایت می شود. در این بازگویی و شرح ماجرا، هدف این است که :

دانش آموزان باید یک ماجرا یا حادثه را به خاطر بسپارند و صحنه های آن را به گونه ای دلپذیر در ذهن نگه دارند. در این ماجرا، قایق سواران با حرکات و سخنان خود موجبات جلب توجه دانش آموزان نسبت به ایجاد تغییرات لازم در ریشه ی فعل به منظور ساختن صیغه های متکلم را فراهم می کنند.

معلم با بیان مبسوط حکایت «صداها و نداها» پیش از آن که تلاش کند به طور مستقیم علایم فعل های متکلم و ضمائر آن ها را به دانش آموزان گوشزد کند، یک صحنه ی به یادماندنی را در ذهن آنان مستقر می نماید تا از خلال آن نکات دستوری مربوط به فعل های متکلم برای آنان تداعی شود. معلم پس از شرح حکایت «صداها و نداها» سؤالاتی از این قبیل را مطرح می کند و از دانش آموزان می خواهد با مطالعه ی حکایت «صداها و نداها» پاسخ آن ها را اعلام کنند :

□ علی کدام علامت را در اختیار داشت؟

□ راهنما گفت قایق سوار چه نوع فعل هایی را بیان می کند؟

□ قایق سوار از ریشه های «نَظَرَ»، «سَمِعَ» و «رَسَمَ» چگونه استفاده می کرد؟

□ در این ماجرا، کلاه سبزه ها فعالیت داشتند یا کلاه آبی ها؟

□ علامت فعل های مضارع متکلم وحده چیست؟

□ علامت فعل های مضارع مع الغیر چیست؟

□ در تابلوهایی که کنار ساحل نصب شده بود، چه فعل های متکلمی نوشته شده بود؟

دانش آموزان پس از مطالعه ی بخش «صداها و نداها» یکایک سؤالات معلم را پاسخ می گویند و معلم میان این پاسخ ها با استفاده از کتاب به صورت روخوانی آن یا بدون استفاده از کتاب، برای دانش آموزان مجاز می داند. زیرا مهم این است که دانش آموزان به محتوای این بخش توجه کنند و فعلاً حفظ و به خاطر سپاری آن ها هدف اصلی نیست.

۹- با توجه به این که ضمائر «أنا» و «نحن» در متن درس به کار رفته اند و در بخش «شهر

تماشا» نیز درباره‌ی آن‌ها نکاتی مطرح شده است، گرچه مفهوم این دو ضمیر از خلال مباحث و فعالیت‌های پیشین آشکار شده، اما برای عطف توجه بیشتر دانش‌آموزان و حصول اطمینان لازم برای معلم نسبت به یادگیری دقیق و عمیق آن‌ها، مجدداً این سؤالات مطرح می‌شود تا دانش‌آموزان با بررسی کتاب، پاسخ لازم را ارائه دهند:

□ ضمیر مناسب برای فعل‌های متکلم وحده چیست؟

□ ضمیر مناسب برای فعل‌های متکلم مع‌الغیر چیست؟

□ آیا غیر از ضمیر متکلم وحده و ضمیر متکلم مع‌الغیر، ضمیر دیگری به عنوان متکلم مثنی

وجود دارد؟

□ برای گویندگان دو نفره (مثنی) چه نوع ضمیری به کار می‌رود؟

□ آیا ضمائر متکلم وحده و مع‌الغیر مخصوص گوینده یا گویندگان مذکر هستند یا مؤنث؟

تمرین در کلاس



این تمرین‌ها موجب تعمیق یادگیری دانش‌آموزان درباره‌ی فعل‌ها و ضمائر متکلم می‌شود و عملاً نوعی جمع‌بندی از انواع فعل‌های مضارع غایب، مخاطب و متکلم به شمار می‌آید:

۱- اجرای مسابقه‌ی سرعت: کارت‌های حاوی ریشه‌های افعال روی تصاویر یا مجسمه‌های یک نفره، دو نفره و چند نفره‌ی دختران و پسران قرار می‌گیرد و شرکت‌کنندگان در مسابقه، به نوبت صیغه‌ی متکلم وحده یا مع‌الغیر (متناسب با تصویر یا مجسمه‌ی موردنظر) را می‌سازند و همراه ضمیر مناسب آن بیان می‌کنند.

○ این مسابقه با داوری معلم و شرکت دو، سه یا چهار نفر از دانش‌آموزان صورت می‌گیرد و پس از تعیین برنده‌ی هر دور مسابقه، گروه‌های دیگری از دانش‌آموزان در دور بعدی شرکت می‌کنند.

در این مسابقه، در هر دور، حداکثر تعداد ده ریشه‌ی فعل مطرح می‌شود.

○ شیوه‌ی اجرای مسابقه چنین است که معلم یکی از ریشه‌های افعال (مثلاً: کَتَبَ) را روی یکی از تصاویر (مثلاً تصویر یک دختر) قرار می‌دهد و از شرکت‌کننده می‌خواهد صیغه‌ی مورد نظر را بسازد و همراه ضمیر آن بیان کند. در این صورت، فرد شرکت‌کننده باید بگوید: «أنا أَكْتُبُ»

○ اجرای این مسابقه روی تصاویر یک نفره، دو نفره و چند نفره‌ی دختران و پسران موجب می‌شود که دانش‌آموزان عملاً به این نکته پی‌برند که:

* ضمایر متکلم برای مذکر و مؤنث به طور یکسان به کار می‌روند.
* ضمیر نحن شامل مثنی و جمع است.

۲- یک نفر از دانش‌آموزان به عنوان «راهنما» کارت‌های ریشه‌های افعال را یکی پس از دیگری در مقابل سایر دانش‌آموزان نگه می‌دارد و سپس یکی از ضمایر «أنا» یا «نحن» را بیان می‌کند تا دانش‌آموزان به طور دسته‌جمعی صیغه‌ی مناسب آن ضمیر را براساس ریشه‌ی داده شده، بیان کنند. معلم در اجرای این تمرین، به عنوان داور حضور دارد.

۳- چهار نفر کلاه سبز و چهار نفر کلاه آبی با علائم مخصوص خود (یعنی علائم چهارگانه‌ی حروف مضارعه و علائم چهارگانه‌ی صیغه‌ها) برای اجرای این تمرین با معلم همکاری می‌کنند. معلم یک ریشه‌ی فعل را روی تخته‌ی کلاس می‌نویسد و سپس ویژگی‌های یکی از صیغه‌های چهارگانه‌ی مضارع را بیان می‌کند (مثلاً می‌گوید: فعل مضارع مخاطب مثنای مذکر). بدیهی است از آن‌جا که ساختن این صیغه مستلزم حضور یک کلاه سبز و یک کلاه آبی است، بلافاصله به محض اتمام بیان معلم، فرد کلاه سبزی که علامت «یَ» را در اختیار دارد، و فرد کلاه آبی‌ای که علامت «ان» را در اختیار دارد، پای تخته می‌روند و هرکدام، علامت خود را قبل و بعد از ریشه‌ی فعل قرار می‌دهند و سپس معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد آن صیغه را دسته‌جمعی بخوانند.

هم‌چنان که واضح است، همه‌ی صیغه‌های مضارع نیازمند حضور یکی از کلاه‌سبزهاست ولی برخی از آن‌ها نیازی به علائم کلاه آبی‌ها ندارند. بنابراین، چنان‌چه هر یک از کلاه‌سبزها یا کلاه‌آبی‌ها در کار خود تأخیر یا اشتباه کنند، از مسابقه خارج می‌شوند و فرد دیگری جایگزین آنان می‌شود. این تمرین در حدّ حوصله و فرصت کلاس یا صیغه‌های گوناگون مضارع و خصوصاً با صیغه‌های متکلم ادامه می‌یابد و ریشه‌های گوناگون و متنوع مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۴- معلم فعل‌های به کار رفته در متن درس و برخی فعل‌های دیگر را بیان می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد بلافاصله ضمیر مناسب آن را بیان کنند. این فعل‌ها که شامل فعل‌های ماضی و مضارع هستند، از این قرارند:

يَحْفَظُ - يُحِبُّ - وَجَدَ - يَحْسُدُونَ - أَقْدِرُ - أَقْتُلُ - نَتَرَكُ - يَأْكُلُ - نَجْعَلُ -
يَأْخُذُونَ - نَذْهَبُ - تُحِبُّ - نَحْفَظُ - ذَهَبُوا - عَلِمَ - بَدَأَ - فَعَلْتُ - تَفْعَلُونَ -
دَخَلَ - جَعَلَ - وَقَعَ - أَنْظَرُ - أَسْمَعُ - أَرْسَمُ - نَنْظُرُ - نَسَمَعُ - أَعْبُدُ - نَدْفَعُ

تمرین در خانه



- ۱- قرائت متن درس به منظور آمادگی برای انجام تمرینات کتاب.
- ۲- قرائت متن قواعد به منظور آمادگی برای انجام تمرینات کتاب و پاسخ به سؤالاتی که در حاشیه‌ی بخش قواعد مطرح شده است.
- ۳- انجام تمرینات کتاب برای رسیدن به این اهداف:
 - درک مفهوم درس و توجه به جزئیات آن
 - تشخیص علامت فعل مضارع متکلم وحده و ضمیر آن
 - تشخیص علامت فعل مضارع متکلم مع الغیر و ضمیر آن
 - ایجاد توانایی برای ساختن فعل مضارع متکلم وحده و مع الغیر براساس ریشه‌ی فعل

تمرینات اختیاری



- قرائت متن درس به منظور آمادگی برای قرائت آن در کلاس درس، همراه با حالت‌ها و احساسات مناسب.
- تمرین گروهی برای اجرای نمایش دو یا چند نفره‌ی داستان یوسف.
- تمرین گروهی برای اجرای نمایش بخش قواعد.
- بررسی آیات قرآن به منظور استخراج آیاتی که دارای این کلمات یا هم خانواده‌های آن‌ها هستند:

یوسف - جَعَلَ - عَلِمَ - ذَنْبَ - الشَّيْطَان

- مراجعه به قرآن کریم - سوره‌ی یوسف (ع) - برای آشنایی با داستان یوسف و استخراج بخش‌هایی از آیات سوره‌ی یوسف که برخی از کلمات یا مفهوم آن در درس «من يَحْفَظُ يَوْسُفَ» به کار رفته است.

اهداف تمرین‌ها

- تمرین‌های این درس، اهداف زیر را دنبال می‌کنند:
- ۱- آشنایی با متن درس و توجه به جزئیات آن
 - ۲- توجه به مفهوم و موضوع متن درس

- در «التمرین الثانی»: ۳- تقویت سؤال و جواب و استفاده از فعل‌های متکلم
- ۴- استفاده‌ی صیغه‌ی مناسب برای ضمیر انا و نحن
- در «التمرین الثالث»: ۵- تقویت سؤال و جواب
- ۶- ساختن صیغه‌ی متکلم وحده
- در «التمرین الرابع»: ۷- تشخیص استفاده‌ی مناسب از ضمائر انا و نحن
- ۸- تشخیص فعل مناسب، با تأکید به فعل متکلم
- در «التمرین الخامس»: ۹- ساختن صیغه‌ی متکلم
- ۱۰- استفاده‌ی مناسب از ضمیر انا و نحن
- در «التمرین السادس»: ۱۱- ساختن صیغه‌های متکلم وحده و مع‌الغیر براساس ریشه‌ی ارائه شده.

اهداف کلی

- ۱- آشنایی با جمله‌هایی که دارای فعل ماضی و مضارع هستند.
- ۲- ترجمه و فهم عبارت‌های ساده
- ۳- آشنایی با ویژگی‌های ماضی و مضارع

هدف‌های رفتاری: دانش‌آموز باید در پایان این درس بتواند:

- ۱- جمله‌های ساده همراه با فعل ماضی و مضارع را به فارسی روان ترجمه کند.
- ۲- تفاوت فعل ماضی و مضارع را درک کند.
- ۳- فعل‌های ماضی را به مضارع تبدیل کند.
- ۴- فعل‌های مضارع را به فعل ماضی برگرداند.
- ۵- علامت‌های فعل مضارع را بشناسد و به کار بندد.

روش تدریس

این درس، به عنوان جمع‌بندی دروس گذشته، در بردارنده‌ی مفاهیم گوناگون مربوط به فعل‌های ماضی و مضارع و ضمائر مناسب هر یک از صیغه‌هاست. بنابراین، انتظار می‌رود از خلال انجام تمرین‌های این درس، مرور کلی به آموخته‌های قبلی صورت گیرد.

۱- بر این اساس، پیش از انجام تمرینات ارائه شده در این درس، سؤالاتی به شرح زیر ارائه می‌شود تا دانش‌آموزان به صورت فردی و گروهی مبادرت به انجام پژوهش‌هایی برای یافتن پاسخ این سؤالات نمایند.

کار
گروهی،
خودیابی،
پایداری
آموخته‌ها
و فهم
عمیق

هم‌چنان‌که روش کلی این کتاب اقتضا می‌کند، چنان‌چه دانش‌آموزان اطلاعات موردنظر را خود از طریق دقت و تداعی دریابند، آن‌ها را به‌طور عمیق‌تر و پایدارتر در ذهنشان جای می‌دهند. در مقابل این روش، شیوه‌های تدریس القایی قرار دارد که معلم نهایی‌ترین اطلاعات را به‌طور سهل و ساده و مستقیم در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. اما این آموخته‌ها به همان میزان که سهل و فوری هستند، فرآورد و ناپایدار نیز هستند.

این سؤالات از این قرار هستند :

درباره‌ی
ریشه

ریشه‌ی فعل چیست؟
 کلمات هم‌خانواده از چه ویژگی‌های مشترکی برخوردارند؟

درباره‌ی
فعل
ماضی

هر یک از صیغه‌های چهارده‌گانه‌ی فعل‌های ماضی و مضارع از حیث «شخص فعل» به چند دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند؟
 چند صیغه‌ی ماضی با علامت «ت» ختم می‌شوند و این صیغه‌ها دارای کدام ویژگی مشترک هستند؟
 علامت‌های صیغه‌های ماضی مثنی‌ی کدام هستند؟
 علامت‌های صیغه‌های ماضی جمع کدام هستند؟
 دو صیغه‌ی ماضی دارای فعل مشابه است، آن دو صیغه چیست؟

درباره‌ی فعل مضارع

- چهار علامت اصلی فعل‌های مضارع چیست؟
- چهار علامت صیغه‌های مضارع چیست؟
- کدام یک از صیغه‌های مضارع بدون علامت صیغه هستند؟
- کدام یک از صیغه‌های مضارع با علامت «یَ» شروع می‌شوند؟
- علامت «تَ» مخصوص کدام دسته از صیغه‌های مضارع است؟
- علامت «ان» در چند صیغه‌ی مضارع به کار می‌رود؟
- صیغه‌ی جمع مؤنث غایب و مخاطب چه تفاوتی با هم دارند؟
- چند صیغه‌ی مضارع دارای فعل‌های مشابه است؟
- از میان علایم چهارگانه‌ی «أ»، «تَ»، «یَ»، «ن» کدام یک از آن‌ها دارای بیش‌ترین تعداد استعمال در صیغه‌های مضارع هستند؟

درباره‌ی ضمایر

- ضمایر غایب از حیث ظاهر کلمه دارای چه ویژگی مشترکی هستند؟
- ضمایر مخاطب از حیث ظاهر کلمه دارای چه ویژگی مشترکی هستند؟
- ضمایری که برای صیغه‌های گوناگون به طور مشابه به کار می‌روند، کدامند؟
- ضمایر از نظر «شخص فعل» به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

○ هر یک از سؤالات یاد شده، زمینه‌ی یک بررسی و جستجوی ساده و اجمالی هستند که بنا به انتخاب و تمایل معلم محترم، در فرصت کلاس یا به عنوان تحقیق در خانه قابل اجرا هستند.

○ هر یک از دانش‌آموزان عهده‌دار تحقیق و بررسی یک یا چند مورد از سؤالات می‌شوند و حاصل بررسی خود را به صورت گزارش مکتوب به کلاس ارائه می‌دهند.

۲- با الگوگیری از تمرین‌های این درس، نمونه‌های مشابهی از متن درس انتخاب می‌شود و دانش‌آموزان موظف به پاسخ آن‌ها می‌شوند.

موضوع این فعالیت‌ها که به نوعی به عنوان گسترده کردن تمرینات مطرح شده در این درس قلمداد می‌شوند، از این قرار است :

□ ترجمه‌ی متن‌های برگزیده‌ی کتاب

□ تبدیل فعل‌های ماضی به مضارع و فعل‌های مضارع به ماضی ؛ با انتخاب برخی از جملات

ارائه شده در کتاب

□ تعیین فعل مناسب برای جملاتی که فعل آن‌ها جا افتاده است ؛ با استفاده از قرینه‌ی ضمائر

موجود در آن‌ها.

□ تعیین ضمیر مناسب برای جملاتی که ضمیر آن‌ها جا افتاده است ؛ با استفاده از قرینه‌ی

فعل‌های موجود در آن‌ها

۳- شرح و توضیح کامل نمودار علامت‌شناسی فعل‌های ماضی و مضارع مندرج در کتاب ؛

به گونه‌ای که هر یک از نکات ذیل به طور جداگانه مورد تأکید قرار گیرد :

○ تقسیم‌بندی فعل‌های ماضی و مضارع از حیث غایب، مخاطب و متکلم بودن

○ ریشه‌ی افعال

○ علامت‌های صیغه‌های ماضی

○ علامت‌های اختصاصی فعل‌های مضارع

○ علامت‌های صیغه‌های مضارع

○ تقسیمات افعال از حیث جنس (مذکر و مؤنث بودن)

○ تقسیمات افعال از حیث تعداد (مفرد، مثنی و جمع بودن)

والحمد لله

